

## سرویس آذربایجان / خبرگزاری آران

نویسنده: ج. محمدزاده

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان: در صحنه روابط بین دولتها « همکاری متقابل و استفاده از پتانسیل های طرفین » یک اصل محسوب می شود که هر کدام از کشورها برای کسب ، حفظ منافع ملی و یا رفع تهدیدات خود اقدام به ایجاد رابطه با دیگر بازیگران بین المللی می کنند تا حاصل این مراودات ، تامین امنیت ملی ، کسب وجهه جهانی و جلوگیری از تهدیدات دیگران باشد. تعامل جمهوری آذربایجان با دیگر بازیگران بین المللی از این قاعده مستثنی نیست و دولت مردان آن کشور هم برای تامین منافع ملی خود با دیگر کشورها روابط خود را برقرار می کنند. اما نگاه تحلیلی براساس قاعده « هزینه و فایده» به روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی حکایت از آن دارد که مسائل حاشیه ای و فرعی سوار بر موج گسترش روابط باکو با تل آویو شده است و امروز مباحث حاشیه ای و فرعی تبدیل به متن و اصل روابط شده است که باید همسایگان این جمهوری به دقت نوع تعامل آنها را با یکدیگر زیر ذره بین قرار داده و سیاستهای منطبق با آن اتخاذ نمایند. روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی زائیده مناقشه طویل المدت قره باغ در قفقاز بوده است. آنجا که مقامات آذری به فکر مقابله و جلوگیری از نفوذ لابی ارمنه در سازمانها و قدرتهای بین المللی به نفع ارمنستان در جنگ قره باغ شدند . دولت مردان آذری احساس کردند با ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی و تکیه بر آن می توانند با استفاده از نفوذ در خور توجه مجامع یهودی در دولت و کنگره آمریکا این امکان را فراهم کنند که دیدگاه دولت مردان و نمایندگان آمریکا را نسبت به مناقشه آذربایجان و ارمنستان تغییر دهند. لذا مقدمات افتتاح سفارت اسرائیل در باکو طی سفرهای مختلف مقامات دو کشور ایجاد شد و رسماً دولت آذربایجان در اجلاس حيفا در ژوئن 1992 خواستار حمایت اسرائیل از دولت آذر علیه ارمنستان شد. اما نگاه مقامات رژیم صهیونیستی به آذربایجان یک نگاه کلان و دراز مدت ابتدا برای مشروعیت بخشیدن به هویت خود در بین کشورهای دنیا علی الخصوص کشورهای اسلامی و دوم عملیاتی کردن استراتژی « اتحاد پیرامونی » بود که در سالهای 1950 توسط دیوید بن گورین اولین رئیس جمهور رژیم صهیونیستی با هدف ایجاد اتحاد خاورمیانه ای شامل کشورهای مسلمان غیر عرب اتخاذ گردید و سیاست خارجی آنها بر پایه آن استراتژی در جهت گسترش روابط با کشورهای پیرامون غیر عرب فعال شد. لذا به محض فروپاشی اتحاد شوروی سابق ، رژیم صهیونیستی سعی در نفوذ به کشورهای مسلمان این منطقه کرد تا هم به مرزهای جمهوری اسلامی نزدیک شود هم به انرژی ارزان و سهل الوصول مورد نیاز خود دسترسی داشته باشد و چنین شد که امروز 42 % نفت مورد نیاز خود را از منابع نفتی این جمهوری تامین می نماید. آذربایجان برای اسرائیل آنقدر مهم تلقی می شود که لیبرمن وزیر خارجه سابق این رژیم در اهمیت آن گفته بود « آذربایجان برای اسرائیل به مثابه لبنان برای ایران است و از گسترش رابطه با آذربایجان می توانیم تهدیدات بزرگترین دشمن خود را در مرزهایش مهار کنیم همچنانکه ایران در لبنان چنین سیاستی را دنبال می کند. » امروز سؤال از مقامات آذری این است که تا چه حد توانسته اند در جامعه عمل پوشانند به ادعای خودشان در گسترش روابط با اسرائیل & استفاده از نفوذ و لابی صهیونیستها و یهودیان برای تاثیر گذاری بر مواضع و سیاستهای غرب در خصوص مناقشه قره باغ & موفق باشند آیا حضور اسرائیل در آذربایجان نتیجه ای غیر از رسیدن به منافع خود و فعالیت چشمگیر مسیونرهای یهودی در آذربایجان داشته است. امروز بدیهی است که تلاشهای دوگانه گروه میانجیگر مینسک & آمریکا ، روسیه و فرانسه & برای حل بحران قره باغ در باز پس گیری اراضی تحت حاکمیت آذربایجان نتیجه ای نداشته و باز پس گیری اراضی تحت تصرف ارمنستان به دغدغه اصلی دولت مردان آذری تبدیل شده است . در کنار عدم موفقیت لابی یهودی ؛ لابی ارمنه با فعالیت خود در غرب و سازمانهای بین المللی و گروه مینسک روبرو موضوع غرب را به ارمنستان نزدیک می کند که نمود بارز آن در دیدارهای خصوصی او با ما با سرکسیسیان روسای جمهور آمریکا و ارمنستان در حاشیه اجلاس واشنگتن در ماههای اخیر روشن شد و رسماً او با ما از موضع ارمنستان در قره باغ دفاع کرد . این در حالی بود که دولت آمریکا حتی از الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان برای شرکت در اجلاس واشنگتن دعوت نکرد. سردی و تیرگی امروز روابط باکو و واشنگتن حاصل دیدگاه جدید دولت مردان آمریکایی نسبت به مناقشه قره باغ است. آنچه امروز مورد تعجب اکثر تحلیلگران است این است که چرا آذربایجان به جای تکیه بر پتانسیل های داخلی و منطقه ای برای حل بحران قره باغ دست به دامن صهیونیستها و غرب شده و روز بروز تحت تاثیر و فشار اسرائیل ، عرصه را بر مردم خودشان - که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می دهند - تنگتر می نماید و از ظرفیتهای گروههای داخلی در حل مشکلات خود بهره نمی گیرد؟! امروز لازمه موفقیت آذربایجان در پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود و رسیدن به اراضی تحت اشغال خود ؛ باز کردن فضای سیاسی کشور ، به رسمیت شناخته شدن حقوق تمام گروههای سیاسی بالاخص شیعیان که 84 درصد جمعیت آن کشور را در برمی گیرد و جلوگیری از اجرای دموکراسی هدایت شده است در عین اینکه می تواند به جای تکیه بر نقشهای بی حاصل گروههای غربی و مینسک در حل بحران قره باغ ، از نقشهای میانجیگرانه کشورهای منطقه بالاخص ترکیه و جمهوری اسلامی ایران که به امنیت کشورهای منطقه می اندیشند بهره برداری نماید. مصاحبه اخیر دکتر محسن صمداف رهبر حزب اسلام جمهوری آذربایجان در خصوص دفاع از سرزمینهای تحت اشغال ارتش ارمنستان نمونه بارزی از نقش و تاثیرگذاری احزاب اسلامگرا در کمک به نتیجه رسیدن بحران قره باغ است. آنجا که ایشان فرمودند « در صورت از سر گرفته شدن جنگ قره باغ ، شرکت در آن برای تمامی مسلمانان واجب است . » وجود چنین دیدگاهی در کشور آذربایجان زمینه ساز وحدت ملی در مقابله با ارمنستان است و همین امر باعث واکنش شدید رسانه های ارمنی نسبت به این حکم شد. مسئولان آذری باید به این مسئله هم توجه داشته باشند که روند رو به گسترش روابط آذربایجان با اسرائیل نه تنها به حل مسائل مبتلا به آنها کمک نخواهد کرد از طرف دیگر این روابط ناقص مرزهای تعیین شده در چارچوب استراتژیک سیاست خارجی ایران است و این امر سبب می شود ایران با رویه ای که در سیاست خارجی خود دارد هیچ گاه به آذربایجان به مثابه یک « متحد استراتژیک » ننگرد. گرچه آذربایجان هم گسترش روابط ایران و ارمنستان را مستمسک گسترش روابط با اسرائیل اعلام می کنند و خواستار تعدیل روابط ایران با ارمنستان هستند و به لحاظ همین روابط معمولی و کم سطح جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان فضای سنگینی علیه سیاستهای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. آذربایجان از هر جهت در مقایسه با ارمنستان اهمیت فوق العاده ای برای جمهوری اسلامی ایران دارد و این در اظهارات مسئولین نظام به وضوح قابل مشاهده است و شکی نیست که با تحقق اظهارات مقامات ایرانی در خصوص افزایش روابط با آذربایجان ، افکار عمومی آذربایجان را به بهانه ارتباطات معمولی و کم سطح با ارمنستان از دست نمی دهیم و فضای سنگین ایران ستیزی و شوونیسم فارسی برداشته می شود. بنظر می رسد مقامات دو کشور آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران باید با تحلیل واقع بینانه از مسائل بین المللی و سیاستهای دراز مدت قدرتهای غیر منطقه ای در منطقه قفقاز در رویه های سیاست خارجی خود تجدید نظر کرده ، نگذارند مسائل حاشیه ای در سطح روابط دو کشور تاثیرات منفی داشته و گروهی متقابل از یکدیگر امنیت منطقه را تهدید کند .